

طرح اجمالي - پيش‌نويس اول

مركز اطلاعات شيعه

**سازوكارِ هماهنگيِ فعاليت‌هاي انقلابي شيعه در سطح جهان (SIO)**

سيدمهدي‌موسوي‌موشح

تيرماه 1392



مندرجات

**🡸 پيشگفتار**

**🡸 ضرورت هماهنگ‌سازي فعاليت‌ها**

**🡸 راهكارهاي هماهنگي فعاليت‌ها**

**🡸 عدم تخريب سازوكارهاي موجود**

**🡸 پيشنهاد تأسيس مركز اطلاعات شيعه**

**🡸 امنيت اطلاعات**

**🡸 اينترنت‌زدايي اطلاعات**

**🡸 ساختار اجمالي مركز اطلاعات شيعه**

**🡸 تأكيد بر آن‌چه محتاج تأكيد است**

پيشگفتار

جنبش‌هاي اسلامي بعد از نمايش جنگ جهاني اول و فروپاشي امپراطوري عثماني و دولت صفوي به شدّت فروكاسته شده و كشورهاي اسلاميِ تجزيه شده به قبيله‌ها آن‌قدر حميّت اسلامي و ديني نداشتند تا قادر به تشكّل‌يابي و بازگشت به دوران مبارزه و استقامت باشند. حكومت‌هاي ديكتاتوري و سلطنتي با اتوريته بسيار بالا و تأييد مستقيم دول استكباري دنيا مانعي بزرگ براي رشد انديشه مبارزه و انقلاب بودند. فعاليت‌هاي رسانه‌اي و روش‌هاي مدرن فريب جوامع نيز تأثير فراواني در اين ركود و كاستي داشت.

در اين ميانه، از بعد جنگ دوم جهاني، صداي ضدكاپيتاليستي ماركسيسم- كمونيسم توانست نگاه‌ها را به خود متوجه سازد و تقريباً تمامي بلاد اسلامي را از مسير اصلي انقلاب اسلامي دور ساخته و مسحور شوونيزم و بعث كارگري نمايد. در تمام اين دوران، گروه‌هاي اسلامي ترجيح دادند براي ايجاد روحيه مبارزه و انسجام نيروهاي خود، تبعيّت محض از جريان‌هاي چپ و سرخ نموده و به سوي كمون نهايي حركت كنند.

پديده انقلاب اسلامي در ايران ناگهان تمامي معادلات را بر هم زد. مذهب كه در نزد تمام انقلابيون عالم، در آن عصر، افيون توده‌ها شناخته مي‌شد و ابزار استعمار شاهان و مستكبران كه از طريق آن به تحميق ملّت‌ها پرداخته و شيره جان‌شان به قدرت خود ملحق سازند، توانست حركتي نو و جديد ايجاد نمايد، حركتي ضداستكباري و ضد استعماري. اين معجزه‌اي غيرقابل پيش‌بيني در تمامي مباني و نظريات انقلابي عالم بود.

نتيجه اين‌كه، ضربه وارده بر پيكره كمونيسم، از سوي انقلاب اسلامي مردم ايران، فرسايش زماني آن را تسريع بخشيد و در دومين دهه انقلاب، اتحاديه جماهير شوروي، مظهر اقتدار ماركسيسم- كمونيسم- سوسياليسم، از هم پاشيد و به عصر نظريه اشتراكي پايان بخشيد.

از آن پس تمامي جريان‌هاي مبارز، آناني كه بالضروره فشار ناشي از استعمار استكبار جهاني را بر گرده ملّت‌ها حسّ مي‌كردند، گزيري جز تمسّك به «اسلام» به عنوان تئوري انقلاب نيافتند. اما كدام اسلام؟!

اسلام با مذاهب اربعه اهل سنّت نمي‌توانست و نمي‌تواند مبارزه انقلابي را با ديكتاتوريسم سامان دهد. فقهي كه حكومت هر ناكسي را حجّت بداند و عمل به دستورات آن را واجب، اعتقادي كه عدالت را براي حكمران الزامي نشناسد، اساساً چنين مذهبي قابليت لازم براي انقلاب را ندارد. در اين ميان، مذهب شيعه، با انديشه خالص و ناب، تنها گريزگاه انقلابيون مسلمان جهان مي‌توانست باشد.

ضرورت هماهنگ‌سازي فعاليت‌ها

هر حركت و جنبشي، جريان و مبارزه‌اي، بالضروره نياز به حجم مناسبي از نيروي انساني دارد. حجمي متناسب با قدرت دشمن، تعداد زيادي از افراد كه در جبهه جهاد فعاليت نمايند.

هنگامي كه تعداد زيادي انسان در يك راستاي واحد و در جهتي مشترك به فعاليت مي‌پردازند، ناگزير به تقسيم كار هستند. از يك‌سو همگان توانايي‌هاي يكسان ندارند و از ديگرسو، همه فرصت و مجال كافي براي انجام تمام فعاليت‌ها. اين دو عامل خود به خود نوعي تقسيم كار در ميدان مبارزه ايجاد مي‌كند.

هرگاه از تقسيم كار سخن به ميان آيد، هماهنگي بالضروره بايد از سوي يك عامل خارجي تأمين شود. تصوّر اين‌كه يك كشاورز مي‌تواند بدون نياز به مدير برنامه و كارشناسي‌هاي مديريتي، زمين خود را شخم بزند، دانه بكارد، آبياري نمايد و سمپاشي كند، به موقع نيز محصول را برداشت كرده و به بازار برساند، چيزي از اهميت هماهنگي نمي‌كاهد. كشاورز به دليل عدم تقسيم كار بين افراد مختلف انساني، چون تنها و تنها خود به كار مي‌پردازد، هماهنگي رفتارهاي خود را مبتني بر اختيار و اراده خود رقم مي‌زند.

اما در جهان مدرن و صنعتي، اساساً بدون تقسيم كار بين افراد مختلف، هيچ فعاليت مفيدي قابل انجام نيست. مواد اوليه از معادن تأمين مي‌شود، تا محل ساخت حمل مي‌گردد، كارخانه‌ها با نيروهاي متعدد، ساختارهاي مفصلي را مي‌سازند و مونتاژ مي‌كنند. در ساختارهاي گسترده، وقتي افراد زيادي در كار دست دارند، هماهنگي بسيار پيچيده‌تر شده و نقش مهمي در حصول نتيجه بر عهده مي‌گيرد.

مبارزه در جهان امروز بدون هماهنگي قابل تحقق نيست. انقلابيون بايستي با توجه به گستردگي جغرافيايي، تفاوت نظريات و سليقه‌ها، موقعيت‌هاي متفاوت سياسي و دولت‌هاي منطقه‌اي، بتوانند بر اساس و محوري واحد فعاليت كرده و راستا و جهت اصلي حركت را حفظ نمايند. بدون هم‌راستايي، حركتي به نتيجه نمي‌رسد. قصه همان پرندگان اسير در دام كه اگر پيوسته در جهات متعدّد و متنافر به بال‌زدن ادامه مي‌دادند، هرگز به رهايي نمي‌رسيدند، رهايي زماني حاصل شد كه در راستاي واحدي تقلا كردند و دام را با خود به آسمان بردند.

ضرورتي غيرقابل انكار در هماهنگ‌سازي جبهه‌هاي متعدّد انقلابي بر عليه استكبار جهاني وجود دارد و اين هماهنگ‌سازي بايد جايي خارج از ميدان نبرد صورت پذيرد. وحدتي كه تمامي جريان‌ها را بشناسد و راهنمايي كند.

راهكارهاي هماهنگي فعاليت‌ها

روش‌هاي متعدّدي براي هماهنگ كردن فعاليت‌هاي افراد مختلف با يكديگر وجود دارد كه شايد بتوان تمامي اين راهكارها و روش‌ها را در سه سرفصل ذيل خلاصه نمود:

## دفترچه راهنما

در اين شيوه، پيشاپيش همه حالت‌هاي ممكنه پيش‌بيني و قاعده‌مند شده است. دستورالعملي توليد شده و در اختيار افراد قرار گرفته است. آدم‌هاي داخل ميدان فعاليت، تمامي رفتارهاي خود را با آن اساسنامه هماهنگ مي‌نمايند و به آئين‌نامه ابلاغي عمل مي‌كنند.

تمامي سازمان‌ها و نهادهاي اداري؛ دولتي و غيردولتي، معمولاً چنين عمل مي‌كنند. قانون اساسي كشورها نيز چنين نقشي دارد. قوانين مصوّبه قواي مقنّنه نيز چنين شيوه‌اي را پي مي‌گيرد. اسلام نيز و فقه جهان‌شمولش چنين وضعيتي دارد؛ احكام را پيشاپيش به تفصيل بيان كرده و تمامي افراد سعي در عمل بدان دارند.

هماهنگي فعاليت‌هاي نيروهاي انساني در چنين وضعيتي ناشي از متن واحدي است كه در اختيار همگان است. وقتي همه افراد بر قانوني واحد پيش روند، راستاي حركت واحد خواهد بود.

## وحدت رهبري

عدم قدرت پيش‌بيني «تمام» وضعيت‌ها، به‏كارگيري شيوه «دفترچه راهنما» را براي مبارزه غيرممكن مي‌سازد. در ميدان عمل، هميشه اتفاقاتي روي مي‌دهد كه از قبل محاسبه نشده و اساساً قابل پيش‌محاسبه نبوده‌اند. اينجاست كه رهبري نقش هماهنگ‏سازي را بر عهده مي‌گيرد.

هنگامي كه يك رهبر واحد بر تمامي مبارزه سيطره داشته باشد و نيروهاي انساني بر سبيل اطاعت از او گام بردارند، قطعاً يك سمت و سوي واحد بر تمامي مبارزه سايه خواهد انداخت، زيرا «يك اراده» مي‌تواند هماهنگي را به صورت دروني تحصيل نموده و بر مبارزين محيط سازد.

## مشاركت مؤثر

اما گاهي شرايطي رخ مي‌دهد كه رهبري واحد قابل حصول نيست. وقتي ميادين جنگ بسيار متعدّد باشد و فرهنگ‌هاي مختلفي درگير مبارزه باشند. هنگامي‌كه مبارزين نتوانند رهبري واحدي را بپذيرند و اختلاف سليقه‌ها به حدّي فراوان گردد كه تجميع در يك نقطه ميسّر نشود. اينجاست كه وحدت رهبري هم كارساز هماهنگي نيست.

هماره در اين قبيل فعاليت‌ها، وحدت حول ميز مذاكره جستجو مي‌گردد. رهبران جريان‌هاي مختلف، جريان‌هايي كه توانسته‌اند به دليل فرهنگ و سياست واحد حول يك رهبر جمع شوند و بر يك سبيل اتفاق نمايند، رهبران خود را به ميز مذاكره مي‌فرستند، جايي كه تمامي رهبران به دليل هدف مشتركي كه دارند مي‌پذيرند با يكديگر گفتگو نموده و تقسيم كار كنند.

حضور رهبران در چنين مشاركت‌هايي بايد كاملاً مؤثر باشد، يعني تصميمات آن‌ها قطعي و لازم‌الاجرا تلقّي گردد و نهاد تجميع‌كننده نمي‌تواند صوري و سنتزي باشد. نمي‌توان رهبران جريان‌ها را جمع كرد و تنها به القاء خواسته‌هاي خود دست زد. رهبران در پاي ميز مشاوره همچنان رهبر هستند و خواسته‌ها و اراده‌هاي‌شان قدرتمند است. بايد اين قدرت‌ها به رسميّت شناخته‌شده و سهم تأثير در منتجّه داشته باشند.

طبيعتاً تمامي اين سه شيوه هماهنگي در موضوع بحث ما مطمح نظر بوده و حضور مؤثر دارند. هر گروهي براي فعاليت‌هاي خود نياز به قانون‌گذاري و تدبير آئين‌نامه‌اي و مرامنامه‌اي دارد. اما مرامنامه‌ها و اساسنامه‌ها بدون رهبران ضمانت اجرايي نداشته و در شرايط واقعي قادر به عمل نيستند. در نهايت، اتحاد گروه‌ها نيز با مذاكره رهبران و مشاركت آنان در حفظ جهت محقق مي‌گردد. پس ما با هر سه شيوه هماهنگ‌سازي مواجهيم. اما آن‏چه دقيقاً موضوع كار ماست، بالاترين سطح اين هماهنگ‌سازي، يعني «مشاركت مؤثر» است.

اين طرح درصدد است براي هماهنگ‌سازي جريان‌هاي مبارز و مجاهد، از طريق اينترنت و سايت‌هاي اينترنتي، شبكه‌هاي اجتماعي و ابزارهاي ارتباط سايبري، «مشاركت مؤثر» را به كار گيرد. چگونه مي‌شود گروه‌هاي متعدّد را بر محور واحد گرد آورد و اكنون كه هدف واحدي دارند، در راستاي همان هدف واحد، دست به تقسيم كار و برنامه‌ريزي براي آنان زد؟!

عدم تخريب سازوكارهاي موجود

اگر جايگاه فعاليت خود را بشناسيم، اين‏كه در عرصه مديريت يك جريان خاصّ نيستيم و وظيفه همگرايي و هماهنگ‌سازي تمام گروه‌هاي مبارز را بر عهده داريم، نكته بسيار مهمي را درك خواهيم كرد؛ اين‌كه نبايد و نمي‌توانيم سازوكارهاي موجود را تخريب كنيم.

سايت‌هاي اينترنتي، ابزارها و شبكه‌هاي اجتماعي، به ضرورت مبارزه و در مراحل مختلف آن شكل‌گرفته‌اند. حتي فراتر از سايت‌ها؛ فارغ از سخت‌افزارها و نرم‌افزارها، گروه‌هايي در ابزارهاي مرسوم و معروف، مانند: فيس‌بوك و توييتر، گوگل‌پلاس و فرندفيد، گرد هم جمع شده و به تبادل اطلاعات و هماهنگ‌سازي جبهه مشغولند. ما نه مي‌توانيم سايت‌هاي موجود را كنار بزنيم و نه مي‌توانيم گروه‌هاي شكل‌گرفته را ملزم نماييم فضاي فعاليت خود را تغيير داده و به محلي ديگر كوچ كنند.

حتي اگر احساس نماييم نسبت به پاره‌اي از جريان‌ها و سايت‌ها و ابزارها «قدرت» داريم و از ما حرف‌شنوي دارند، حتي اگر بودجه آن‌ها را هم ما تأمين نموده باشيم و آن‏ها خود را مديون ما بدانند، بايد توجه كنيم كه هر محلّي در مسير اطلاع‌رساني، مخاطبين خود را يافته و اگر جمع شود، يا تغيير مكان دهد، بخشي از مخاطبين را از دست خواهد داد.

اگر قصد داريم يك مركزيّت واحد براي مديريت جريان‌هاي انقلابي شيعه در اختيار داشته باشيم، نخست بايد به تمامي سازوكارهاي موجود به ديده جنگ‌افزار بنگريم، منابعي كه در اختيار داريم و مي‌توانيم از آن‏ها استفاده كنيم. هر سايتي كه در اين زمينه تأسيس شده و هر گروهي كه شكل يافته، قطعاً بخشي از مهمّات ما در نبرد با استكبار جهاني است.

بر اين اساس، به عنوان يكي از آكسيوم‌ها،‌ مفروضات و مقدمات طرح خود، مي‌پذيريم كه هيچ تغييري در ظاهر جبهه نمي‌خواهيم ايجاد كنيم و قصد نداريم مخاطبين را از يك سايت به سايتي ديگر منتقل كنيم. سايت‌ها فروشگاه‌هايي هستند كه نماي جبهه ما را شكل مي‌دهند، ما قصد تغيير اين نما را نداريم، مكان ويترين را عوض نخواهيم كرد.

آن‏چه در پي خواهيم گرفت، ارائه كالا در تمامي فروشگاه‌ها به نحوي است كه محور هماهنگي را تبعيّت نمايد.

پيشنهاد تأسيس مركز اطلاعات شيعه

مبتني بر آن‏چه ذكر آن رفت، تأسيس يك سايت، به تنهايي نمي‌تواند كمكي به هماهنگ‌سازي جبهه مبارزه شيعيان انقلابي در سراسر جهان نمايد. آن‏چه ما نياز داريم يك «مركز هماهنگي» است.

پيشنهاد روشن و شفاف و بي‌پرده ما تأسيس يك مركز است، يك مركز كه مسئول هماهنگي جبهه باشد. مركزي كه قابليت‌هاي انقلابي را بشناسد، از تمامي ظرفيت‌ها آگاه باشد و بتواند در كم‌ترين زمان و در اسرع وقت، اطلاعات لازم را در اختيار مبارزين بگذارد.

اگر متد هماهنگ‌سازي ما «مشاركت مؤثر» باشد، ناگزير بايد تصميم‌گيري رهبران جريان‌هاي انقلابي را به رسميّت بشناسيم و اگر اراده آن‌ها رسميّت يافت، ما قادر به «تصميم‌گيري» براي آن‏ها نخواهيم بود. ما نمي‌توانيم تصميماتِ از پيش اتخاذ شده را به گروه‌ها و جريان‌ها ابلاغ نماييم. حتي شايد نتوانيم مرامنامه، اساسنامه، آئين‌نامه و دستورات عملياتي آنان را نيز پيش‌پردازش كنيم. همه اين قبيل وظايف بر عهده بطن جريانات مذكور است. ما بايد از روش‌هاي نرم براي جهت‌دهي استفاده كنيم.

انقلابيون عالم نياز به يك ميز مشاركت دارند؛‌ جايي كه بدانند:

1. **براي آنان و هدف آنان و هويّت آنان احترام قائل است.**
2. **تفاوت‌هاي سياسي‌، فرهنگي و اجتماعي و بافت ملّي آنان را به رسميّت مي‌شناسد.**
3. **اختلاف مذهبي و اعتقادي را دخيل و مؤثر در قضاوت‌ها نمي‌داند.**
4. **سليقه‌هاي متفاوت و اختلاف‌ها را مفيد و هدايتگر تلقّي مي‌كند و خلاقيّت‌ها را ارج مي‌نهد.**
5. **نهادي كه تلاش نمي‌كند نظريه خود را القاء نمايد.**

اگر چنين مكاني را يافتند، با آغوش باز در آن حضور مي‌يابند، نماينده معرفي مي‌كنند، اطلاعات خود را در اختيار آن مي‌گذارند و حاضر مي‌شوند از آن اطلاعات بگيرند و دانش و تجربه خود را با ديگران در آن نهاد به اشتراك گذارند.

ما در ابتدا بايد چنين مركزي تأسيس نماييم، «مركز اطلاعات شيعه» كه تمامي جريان‌ها را بشناسد، از آن‏ها دعوت به عمل آورد و شرايط «مشاركت مؤثر» آنان در هماهنگ‌سازي جبهه را فراهم كند.

امنيت اطلاعات

در فضاي چريكي و پارتيزاني فعلي كه تمامي جريان‌هاي فعّال در عرصه مبارزه و انقلاب درگير فعاليت‌هاي پنهاني و حملات غافلگيرانه هستند، امنيت اطلاعات اهميت فوق‌العاده‌اي دارد.

حفظ و حراست از اطلاعات سازوكارهاي ويژه‌اي مي‌طلبد. نهادي كه به عنوان «مركز اطلاعات شيعه» فعاليت مي‌كند، با اطلاعاتي مواجه است كه در چهارسطح قابل طبقه‌بندي مي‌باشند:

## اطلاعات عمومي

اخباري عمومي و داده‌هايي كه حاكي از هيچ مطلب محرمانه‌ و طبقه‌بندي‌شده‌اي نيستند، اطلاعاتي كه انتشار آنان به فعاليت‌هاي گروه‌ها آسيب نمي‌زند. اين اطلاعات را مي‌شود در سايت به صورت اخبار منتشر كرد. يا در قالب اطلاعات مفيد و قابل استفاده براي مردم جهان نشر داد.

## اطلاعات عمومي گروه‌ها

آن دسته از تجارب، دانش‌ها و اطلاعات موردي گروه‌ها كه خودشان ابراز تمايل نموده‌اند در اختيار تمامي گروه‌ها قرار گيرد، مي‌تواند در محلي مشترك باشد، جايي كه فقط گروه‌هاي «پذيرفته‌شده» و «مورد تأييد» به آن دسترسي دارند. طبيعتاً اعتبارسنجي گروه‌ها نيز نقش عمده‌اي در حفظ اين اطلاعات دارد. گروه‌ها از طريق اين اطلاعات مي‌توانند با هم مرتبط شده و از ظرفيت‌هاي يكديگر بهره برند.

## اطلاعات اختصاصي گروه‌ها

بخشي از اطلاعات خاصّ گروه‌ها كه نبايد در اختيار حتي ساير گروه‌ها باشد. تنها براي دسترسي اعضاي داخلي گروه‌ها و اطلاع مركز اطلاعات شيعه، در اختيار ما قرار گرفته است، تا در برنامه‌ريزي‌ها لحاظ شود.

## اطلاعات اختصاصي مركز

داده‌هاي مرجع كه اطلاع گروه‌ها نيز مي‌تواند امنيت آن‌ها را به خطر اندازد. اطلاعاتي كه تنها در مركز اطلاعات شيعه مورد استفاده قرار مي‌گيرد و استفاده‌اي خارج از مركز ندارد و نبايد داشته باشد. فهرست كامل گروه‌ها و جريانات مبارز، خصوصيات افراد، مشخصات دقيق محل‌هاي فعاليت و عمليات‌هاي در جريان.

اينترنت‌زدايي اطلاعات

هنگامي كه مقوله حفظ و حراست از اطلاعات به ميان مي‌آيد، اصل استفاده از اينترنت محل اشكال و تأمل مي‌گردد. شكي نيست كه دسته عمومي اطلاعات، آن داده‌هايي كه طبقه‌بندي ندارند، اساساً ماهيت اينترنتي و رسانه‌اي دارند و مي‌توانند بر روي سايت مركز اطلاعات شيعه عرضه شوند.

اما سه دسته اطلاعات ديگر ماهيت رسانه‌اي ندارند و نبايد عمومي گردند.

در مورد دوم و سوّم؛ اطلاعات عمومي و اختصاصي گروه‌ها، نيز اينترنت به كار مي‌آيد، اما به عنوان ابزار ارتباطي و نه رسانه‌اي. قطعاً دسترسي گروه‌ها به اين دسته از اطلاعات اهميت دارد؛ دسترسي سريع و به موقع، تا در تصميم‌گيري‌هاي آنان مفيد باشد.

تنها نگراني از بابت سيطره سخت‌افزارها و نرم‌افزارهاي صهيونيستي و آمريكايي بر بستر اينترنت است. با توجه به چنين نكته‌اي، حفظ و حراست اطلاعات و مراقبت از امنيت آنان به نظر غيرممكن شايد بيايد.

ممكن است تصميم گرفته شود سايت مركز اطلاعات شيعه تنها دو فعاليت بر عهده گيرد:

## رسانه‌اي براي جريان‌سازي عمومي

اطلاعات عمومي و آن دسته از داده‌ها و اخباري كه نقش جريان‌سازي و مديريت حركت عمومي را بر عهده دارند از طريق اين سايت منتشر شوند.

## محل رجوع تازه‌واردان و دريافت اطلاعات پراكنده

افرادي كه وابستگي به جريان‌هاي شناخته‌شده ندارند و كانال ارتباطي با مركز اطلاعات شيعه در اختيارشان نيست، در بادئ امر از اين طريق خود را معرفي كرده و اطلاعات در اختيار مي‌گذارند.

شايد لازم باشد ساير فعاليت‌ها، ارتباط با گروه‌ها و تبادل اطلاعات عمومي و اختصاصي آن‌ها از كانال سايت‌هاي موجود و بر پايه روابط حقيقي و غيرسايبري شكل گيرد.

دسته چهارم اطلاعات؛ اختصاصي مركز، اساساً نه تنها نيازي به اينترنت ندارد، كه دور بودن از اينترنت به حفظ دقيق‌تر آن ياري مي‌رساند.

ساختار اجمالي مركز اطلاعات شيعه

مركز اطلاعات شيعه وظيفه هماهنگ‌سازي جريان‌هاي انقلابي و فعّال شيعه در سراسر جهان را برعهده دارد و اين فعاليت را مبتني بر روش «مشاركت مؤثر» رهبران گروه‌ها به انجام مي‌رساند. از اين رو، به نظر مي‌رسد محتاج سازوكاري كوچك، ستادي، چابك و منسجم است؛ ساختاري كه باكس‌هاي كم داشته و فعاليت‌هاي متعدّد توسط افراد اندكي به انجام رسد.

هدف از ارائه ساختار فوق اين است كه مركز اطلاعات شيعه بتواند اطلاعات گروه‌ها، سايت‌ها و جريان‌هاي فعّال را جمع‏آوري كرده، با آن‏ها ارتباط برقرار نموده، با شناسايي مسائل و مشكلات آن‏ها و ارائه راه‌حل‌هاي مناسب، اعتماد آنان را جلب كرده و مشاركت مؤثر آنان در هم‌راستاسازي تمامي فعاليت‌ها را فراهم نمايد.

تأكيد بر آن‏چه محتاج تأكيد است

وقتي به ما مي‌گويند: «بيا و سايت تأسيس كن»، بيش از آن‏كه به سازوكار مديريت آن بيانديشيم، به ابزارهاي سخت‏افزاري و نرم‌افزاري توجه مي‌كنيم. بلافاصله و بلادرنگ سراغ يك برنامه‌نويس و طراح سايت را مي‌گيريم، فوراً قيمت سرور، دومين و هاستينگ را مي‌پرسيم و بدون هيچ انديشه و تأملي دنبال راه‌اندازي سايت مي‌افتيم.

غافل از اين‏كه يك سايت در حقيقت ابزار كار يك تشكيلات است، يك مركز، يك نهاد، يك ارگان و سازمان. مانند يك روزنامه است يك سايت. آنان‌كه كار مطبوعات را بشناسند، مي‌دانند كه راه‌اندازي يك روزنامه اصلاً به معناي اجاره يا خريد چند دستگاه چاپ، مقداري كاغذ و چند كامپيوتر و نرم‏افزار صفحه‌بندي نيست. چه بسا روزنامه‌ها و نشرياتي كه اصلاً دستگاه چاپ ندارند و انتشار را برون‌سپاري مي‌كنند، نرم‏افزار صفحه‌بندي هم نمي‌خرند و اين كار را نيز به گرافيست‌هاي خارج از مجموعه خود مي‌سپارند. تنها به مغز مطلب مي‌پردازند و آن چيزي نيست جز فراهم كردن سازوكار توليد اطلاعات براي انتشار روزنامه.

صاحب امتياز روزنامه ابتدا مدير مسئول خود را مي‌يابد و وعده بودجه را به او مي‌دهد. مدير مسئول به دنبال سردبير است. سردبير را كه جست، سرويس‌ها را تأسيس مي‌كند؛ سرويس سياسي، فرهنگي، اقتصادي و…، اين مدير مسئول است كه جهت كار و فعاليت را تبيين مي‌كند. سردبير نيز به نوبه خود مي‌گردد و دبير سرويس‌ها را انتخاب مي‌نمايد. كار را توجيه كرده و دبيرها سراغ نويسندگان رفته و مقاله، گزارش، خبر و هر چه كه نياز باشد فراهم مي‌نمايند. آخرين مرحله كار چيست؟! همان‌كه ما ابتدا به سراغ آن مي‌رويم: صفحه‌بندي و انتشار!

اگر به من بگويند: «يك سايت مي‌خواهيم»، ابتدا مي‌گويم: «نهاد سايت را تأسيس كنيد»، سازوكار و ساختاري كه قرار است توليد محتوا كند، آن را مديريت نمايد و تمامي روابط كاري را با نيروهاي مولّد شكل دهد.

ما اگر سايتي بخواهيم كه مرجع تمامي شيعيان جهان باشد، آنان كه در دل خود احساس تعلّق به اسلام و دغدغه به حفظ مسير اهل بيت (ع) مي‌نمايند و خواهان حركت و مشاركت در اين مسير مي‌باشند، بايد كه آنان را بشناسيم، نيازهايشان را تأمين كنيم و فرصتي فراهم آوريم كه خودشان در نتيجه كار مؤثر باشند و اين تأثير را با تمام وجود احساس نمايند.

ما ابتدا بايد «مركز اطلاعات شيعه» را تأسيس نماييم و سپس سايت را در ذيل آن و براي ساماندهي پاره‌اي از فعاليت‌هاي مركز طراحي و توليد كنيم. 🏱